

بدعت بودن صلاة الألفیه (نماز هزارتایی) در

ماه شعبان

اولین کسی که آن را به وجود آورد:

اولین کسی که صلاة الألفیه را در شب نیمه شعبان ایجاد کرد مردی بود که مشهور به ابن ابي الحمراء اهل نابلس^۱ بود، در سال ۴۴۸ هـ وارد بیت المقدس شد، قرآن را خوب و قشنگ تلاوت می کرد، در شب نیمه شعبان در مسجد الأقصی نماز اقامه کرد و مردی به او اقتدا کرد، سپس سومی و چهارمی نیز اضافه شدند، نماز را تمام نکرده بود که به جماعت زیادی تبدیل شدند.

سال آینده جماعت زیادی در مسجد با او نماز خواندند، و نماز در مسجد الأقصی و خانه های مردم وسعت پیدا کرد، نماز طوری جا گرفت و استقرار پیدا کرد که فکر می کردند سنت پیامبر ﷺ می باشد.^۲

ویژگی های آن نماز

این نماز بدعت، الألفیه (هزارتایی) نامیده می شود چون سوره اخلاص هزار بار در آن خوانده می شود، چون یکصد رکعت است در هر رکعت ده مرتبه سوره اخلاص خوانده می شود.

ویژگی ها و چگونگی این نماز، ثواب و اجر آن به صورت ها و روایت های مختلفی آمده است که ابن جوزی آن را در موضوعات آورده است و می گوید: شکی نداریم

۱- شهر پر آب و مشهوری در سرزمین فلسطین، و کوهی که یهود گمان می کنند ابراهیم فرزند

خویش را بر آن ذبح نمود نیز در آن واقع شده است، به معجم البلدان ۵/ ۲۴۸ مراجعه شود.

۲- به کتاب التحذیر و البدع، للطرطوشی، ص (۱۲۱-۱۲۲) مراجعه شود.

۲ بدعت بودن صلاة الألفیه (نماز هزارتایی) در

ماه شعبان

که این حدیث موضوع و ساختگی است، اکثر راویان آن از هر سه طریق روایت شده مجهول و ضعیف هستند، که قطعاً چنین حدیثی که از پیامبر ﷺ باشد محال است.^۱ غزالی در کتاب الأحياء می گوید: نماز شعبان، شب پانزدهم آن ماه صورت می گیرد، یکصد رکعت است، دو رکعت دو رکعت خوانده می شود، در هر رکعت بعد از سوره فاتحه، سوره قل هو الله احد خوانده می شود.^۲

حکم این نماز:

جمهور علما اتفاق نظر دارند که صلاة الألفیه نیمه شعبان بدعت است. نماز الألفیه در شب نیمه شعبان از طرف پیامبر ﷺ و هیچ یک از خلفای راشدین ﷺ به عنوان سنت وضع نشده است و به آن دستور نداده اند، و هیچ یک از ائمه بزرگ مانند امام ابوحنیفه، مالک، شافعی، احمد، ثوری، اوزاعی، لیث و غیره - رحمهم الله - آن را مستحب ندانسته اند. و حدیثی که در این مورد روایت شده است موضوع و ساختگی می باشد، اکثر علمای حدیث شناس بر موضوع بودن آن اتفاق نظر دارند.^۳ برادر مسلمان! بدان که چنین مراسم و مجالسی مانند شب نیمه شعبان، شب اسراء و معراج، شب رغائب، شامل کارهای بدعت و حرام زیادی هستند، که این بدعت ها با

۱- به کتاب الموضوعات، (۱۲۷/۲-۱۳۰) و اللآلی و المصنوعه سیوطی، (۵۷/۲-۶۰) و فوائد المجموعه، ص (۵۱) مراجعه شود.

۲- به کتاب احياء علوم الدين، (۲۰۳/۱) مراجعه شود.

۳- به مجموعه فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه، (۱۳۱/۲۳-۱۳۴) و اقتضاء الصراط المستقیم، (۶۲۸/۲) و الباعث لأبى شامه، ص (۳۳) و فتاوی محمد رشید رضا، (۲۸/۱-۳۰) مراجعه شود.

بدعت بودن صلاة الألفیه (نماز هزارتایی) در ۳

ماه شعبان

توجه به زمان‌ها و مکان‌های مختلف فرق می‌کنند، که ابن‌الحاج این بدعت‌ها و محرمات و منکرات را که در این مراسم وجود دارند به تفصیل بیان کرده است که خلاصه‌ای از سخن ایشان را بیان می‌کنیم:

۱- مکلف شدن به خرج‌های مشقت‌بار و اذیت‌کننده، که اسراف است و آن را به نام دین انجام می‌دهند در حالی که دین از این کارها بری می‌باشد.

۲- شیرینی‌هایی که دارای صورت‌های حرام و ناشرعی می‌باشند.

۳- روشن کردن چراغ‌ها و غیره، که در این زیاده‌روی اضاعه مال وجود دارد، به خصوص اگر آن روغن و یا مواد مصرفی وقف باشند که نوعی ظلم در حق نذرکننده و وقف‌کننده می‌باشد، به شرطی که وقف‌کننده آن را ذکر نکرده باشد و اگر هم ذکر کرده باشد شرعاً اعتباری ندارد، و زیاده‌روی در این روشن کردن‌ها باعث اضاعه مال می‌شود و از طرفی هم سبب اجتماعی می‌شود که هیچ خیر و برکتی در آن نیست، و کسانی که دارای مناصب و مقام‌های دینی هستند و در این مراسم شرکت می‌کنند اگر نسبت به بدعت بودن آن آگاهی داشته باشند گناه و معصیتی را در حق خود مرتکب شده‌اند مگر اینکه توبه کنند، اما اگر حاضر شوند و شرکت کنند برای اینکه آن را تغییر دهند و با آن مبارزه کنند و برای تغییر و مبارزه هم توانایی داشتند خیلی خوب و مبارک می‌باشد.

۴- حضور زنان، معلوم است که باعث چه فسادهایی می‌شود.

۵- جمع شدن آنها در مسجد جامع، که این کار عبادتی غیر شرعی می‌باشد.

۶- آنچه از فرش‌ها و جانمازها و غیره را می‌گسترانند.

۴ بدعت بودن صلاة الألفیه (نماز هزارتایی) در

ماه شعبان

۷- دیگ‌های مسی بزرگ می‌آورند که در درون آنها کوزه‌ها و لیوان‌ها و چیزهای دیگری وجود دارد، مثل اینکه خانه خدا، خانه خودشان است، مسجد جامع برای عبادت گذاشته شده است نه برای نشستن و خوابیدن و خوردن و نوشیدن.

۸- اعمال ساقیان و آب‌دهندگان از این بدعت‌ها و محرمات می‌باشند، مفساد زیادی در آن وجود دارد، از جمله: خرید و فروش، چون در برابر آن پول می‌گیرند، زدن کاسه‌ها به هم که شبیه صدای ناقوس‌ها می‌باشد، بلند کردن صدا در مسجد و کثیف کردن مسجد، و بر روی گردن مردم قدم برداشتن، که همه این کارها حرام و منکر می‌باشد.

۹- تشکیل حلقه‌ها، که هر حلقه و گروه مسئول و بزرگی دارد، که در ذکر و تلاوت به او اقتدا می‌کند و ای کاش ذکر و تلاوت بود! بلکه آنها دین خدا را به تمسخر گرفته‌اند، ذکرکننده اغلب نمی‌گوید (لااله الاالله) بلکه می‌گوید: (لایلاه یلله) به جای همزه یاء می‌گویند که الف قطع است آن را وصل قرار می‌دهند، و زمانی که می‌گویند: سبحان الله آن را می‌پیچانند و برمی‌گردانند به صورتی که فهم نمی‌شود، قاری قرآن را تلاوت می‌کند چیزی را به آن اضافه می‌کند که از قرآن نیست و یا چیزی را از آن کم می‌کند که جزو قرآن است، آن هم به سبب نغمه‌ها و ترجیحات که بیشتر به آواز شباهت دارد صورت می‌گیرد، که این منکری است که چند منکر دیگر را جمع می‌کند.

۱۰- از کارهای قبیح دیگر که صورت می‌گیرد، که این است که قاری قرائت و تلاوت قرآن را شروع می‌کند دیگری شعر و سرود می‌خواند، و یا می‌خواهد شروع کند، قاری را ساکت می‌نمایند و اشاره می‌کنند که قرائت را تمام کند، و یا هر دو را

بدعت بودن صلاة الألفیه (نماز هزارتایی) در ۵

ما ه شعبان

آزاد می‌کنند او قرائت خود را ادامه دهد و دیگر همزمان شعر و سرود را بخواند، که بعضی هم با شاعر و سرودخوانان شعرها را تکرار می‌کنند، این کارها تمسخر دین است، حتی اگر خارج از مسجد بودند باز هم حرام و ممنوع بود، حالا که در مسجد صورت می‌گیرد باید چگونه باشد؟!!!!

۱۱- حضور بچه‌های کوچک که باعث کثیف شدن مسجد می‌شود.

۱۲- رفتن زنان در شب نیمه شعبان به قبرستان‌ها، در حالی که شرعاً رفتن آنها به قبرستان حرام است، که بعضی دف را با خود همراهی می‌کنند و آن را می‌زنند، و به علت نبودن حیا و شرم و به علت اینکه کسی آنها را منع نمی‌کند بعضی در حضور مردان سرود و شعرهایی با صدای بلند می‌خوانند که مردان آن را می‌شنوند.

۱۳- در قبرستان زنان با مردان مخلوط می‌شوند، و زنان لباس حیا و شرم را از خود بر می‌دارند، تمام سر و صورت خود را بیرون می‌آورند.

۱۴- آنها این گناهان را در گورستان که جای ترس و عبرت، و جای این است که انسان برای عمل صالح و کارهای خیر شوق و علاقه پیدا کند، انجام می‌دهند. این میدان عظیم و مهم جایگاه خود را از دست می‌دهد، و درست به چیزی ضد خود تبدیل می‌شود، آن را جای خوشحالی و انجام گناه قرار می‌دهند.

۱۵- با انجام این منکرات و معاصی در واقع به اموات و مرده‌گان مسلمان اهانت می‌نمایند.

۱۶- بعضی از آنها چوبی را کنار سر مرد یا زن مُرده قرار می‌دهند و آنچه از لباس که مدنظر و هدف آنها است دور آن چوب می‌پوشانند، اگر آن میت و مُرده انسانی عالم و صالح باشد آنچه از مصیبت و ناراحتی به آنها رسیده برایش بازگو کرده و

۶ بدعت بودن صلاة الألفیه (نماز هزارتایی) در

ماه شعبان

شکایت می کنند و به او توسل می نمایند، و اگر از افراد خانواده و نزدیکان باشد آنچه که روی داده برای او بازگو کرده و با او سخن می گویند، و اگر عروس یا داماد باشد به هر کدام لباس مخصوص خود که در حال حیات و شادی می پوشیدند، می پوشانند، و می نشینند و گریه می کنند و تأسف می خورند، این کار آنها که چوب را این چنین می پوشانند در ظاهر شباهت به کار مسیحی ها دارد که بت هایشان را چنین می کردند، و عکس هایی که در مراسم آن را تعظیم و تکریم می کردند، و معلوم است هر کس خود را به شکل قوم و ملتی درآورد از آن قوم محسوب می شود.

۱۷- دچار نفاق می شوند، چون در باطن قصد معصیت و در ظاهر قصد عبادت دارند.

۱۸- انجام کارها و سخنان لغو و پوچ در مسجد و سخنان زیاد و باطل که منکر شدید هستند.

۱۹- قرار دادن مسجد مانند پایگاه نظامی برای آمدن مسئولین و مهمانان دولتی و گستراندن فرش ها و قرار دادن صندلی و مبل ها برای نشستن والی در مکانی مشخص و روشن کردن چراغ ها و شمع هایی جلو او در صحن مسجد جامع، که خاکستر آنها به مسجد می ریزد، و بعضی اوقات کسی که در مسجد شکایت و اعتراض می نماید به وسیله عصا زد و خورد صورت می گیرد و او را به زمین می اندازد، و یا از خارج مسجد طرف مقابل و شاکی نزد والی وارد می شود، که رویدادها همه در شب نیمه شعبان به وجود می آیند، و هر گاه این حادثه ها روی دهند صداها از طرف دشمن و سربازها بلند می شود، البته به خاطر کثرت جمعیت و جار و جنجال سر و صدا موجود می باشد، حالا

بدعت بودن صلاة الألفیه (نماز هزارتایی) در ۷

ماه شعبان

این جار و جنجال و سر و صدا که سر و صدای شکایات و اختلافات میان مردم و مسئولین به آن اضافه می شود چگونه خواهد بود؟!

۲۰- معتقد بودن آنها به اینکه این منکرات و بدعت های حرام برای حرمت و احترام این شب و خانه خدا برپا می شود، و آمده اند تا آن را تعظیم نمایند، بعضی هم بر این باورند که این کارها عبادت و باعث نزدیک شدن به خدا می شود که این خیلی خطرناک است^۱. و همچنانکه بیان شد که این بدعت ها و منکرات با توجه به اختلاف مکان ها و زمان ها با هم فرق دارند، این مراسم در زمان و عصر حاضر نیز بسیاری از منکرات را دارا می باشد اگرچه شکل و صورت آن با گذشته متفاوت باشد.

۲۱- علاوه بر بدعت های مذکور، بدعت دیگری نیز اضافه شده است: دعای مشهوری که در آن از خداوند خواسته می شود که در لوح المحفوظ شقاوت و بدبختی کسی را که نوشته است پاک کند الی آخر ...، نص و عین آن دعا این است: خداوندا! ای کسی که منت می گذارد و بر او منت گذاشته نمی شود، یا ذالجلال و الإکرام، یا ذالطول و الإنعام، هیچ خدایی جز تو وجود ندارد، پشت و پناه پناه جویان، خداوندا اگر مرا در لوح المحفوظ بدبخت و شقی یا محروم یا مطرود یا فقیر و ندار نوشته ای آن را پاک کن، و مرا در لوح المحفوظ خوشبخت و غنی و موفق برای انجام خیرات بنویس، تو گفته ای و گفته تو حق است آنجا که در قرآن از زبان پیامبر ﷺ خود فرموده ای:

﴿يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ^ط وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾ (رعد: ۳۹)

۱- به المدخل لابن الحاج، (۱/۲۹۳-۳۱۳) و مجله المنار، (۳/۶۶۵-۶۶۷) مراجعه شود.

۱ بدعت بودن صلاة الألفیه (نماز هزارتایی) در

ماه شعبان

«خداوند هر چه را که بخواهد از میان برمی دارد و هر چه را (که حکمتش اقتضا کند) برجای می دارد، (همه اینها) در علم خدا ثابت و مقرر است».

پروردگارا! (به خاطر ظهور ذات مبارک اعظم خود در این شب نیمه ماه شعبان مکرم که تمام کارها از طرف تو قطعی می شوند، از تو می خواهم تمام بلاها و مصیبت هایی که به آنها علم داریم و یا علم نداریم و آنچه که تو به آنها آگاه هستی از ما دور بفرما، تو بسیار عزیز و کریم هستی، و صلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله وسلم).^۱

این دعا در سنت صحیح اصل و اساسی ندارد و صحیح نمی باشد، همانطور که نماز نیمه ماه شعبان هم مثل این دعا می باشد، از پیامبر ﷺ و صحابه رضی الله عنهم و سلف صالح ثابت نشده و نیامده که آنها در مسجد به خاطر این دعا در این شب جمع شده باشند و نسبت این دعا به بعضی از صحابه درست نیست.^۲

خیلی اوقات قبول این دعا را مشروط به خواندن سوره یاسین (یس) و خواندن دو رکعت نماز قبل از قرائت می نمایند، قرائت و نماز و دعا را سه مرتبه انجام می دهند، مرتبه اول به نیت طول عمر، مرتبه دوم به نیت دفع بلاها، و مرتبه سوم به نیت بی نیازی از مردم صورت می گیرد، و معتقد هستند که این کار از عبادت های دین و از امتیازهای شب نیمه شعبان و ویژگی های آن است، به صورتی که بیشتر از واجبات و سنت های

۱- به رساله محمد حسن مخلوف در مورد شب نیمه شعبان، ص (۳۲) مراجعه شود، و یا رساله روی الظمان، تألیف انضاری، ص (۹) مراجعه شود.

۲- به مجله المنار، (۶۶۷/۳) و کتاب السنن و المبتدعات، ص (۱۴۹) و کتاب الإبداع، ص (۲۹۰) مراجعه شود.

بدعت بودن صلاة الألفیه (نماز هزارتایی) در^۹

ماه شعبان

صحیح به آن اهتمام می‌دهند، قبل از غروب خورشید در این شب به مسجد می‌روند، در حالی که بعضی از آنها تارک الصلاة هستند، چون معتقد هستند که حضور آنها در این شب تمام گناهان و کوتاهی‌های گذشته را جبران می‌کند، و همچنین حضور در این شب باعث طول عمر می‌شود و غیبت و شرکت نکردن در این شب را شوم و خطرناک می‌دانند.^۱

جمع شدن مردم برای خواندن این دعا با چنین روش و طریقه‌ای که معروف و مشهور است و قرار دادن آن بعنوان عبادتی در دین از بدعت‌هایی است که در دین و در نیمه شعبان ایجاد شده است. درست است که دعا و تضرع بسوی خدا در هر وقت و زمانی مطلوب و صحیح است اما نه به این صورت اختراعی و طبق هوا و هوس، بوسیله بدعت‌ها نمی‌توان به خداوند نزدیک شد بلکه به چیزی که خدا و رسول خدا ﷺ آن را مشروع دانسته‌اند به خدا نزدیک می‌شویم.

۲۲- از بدعت‌های منکر در شب نیمه شعبان روشن کردن چراغ‌های زیاد و روشن کردن آتش‌های بسیار می‌باشد، کسی که این بدعت را پیدا کرده است به دین مجوسیت شوق و علاقه دارد، چون در گذشته آتش پرست بود، و اولین بار این کار در زمان برمکی‌ها^۲ روی داد، اوهام و گمان‌های غلط را به نام دین بر مردم فرومایه و جاهل

۱- به کتاب الإبداع، ص (۲۹۰) مراجعه شود.

۲- برمکی‌ها منسوب به خالد بن برمک بن جاماس بن یشناسف، برمک از مجوسی‌های بلخ بود، خالد بن برمک در دولت عباسی به وزارت رسید سپس امارت ایالت‌ها را در دست گرفت سال ۱۶۳ ه درگذشت و فرزندان او نیز به مناصب خیلی بلند رسیدند تا اینکه هارون الرشید دست

بُدعت بودن صلاة الألفیه (نماز هزارتایی) در

ماه شعبان

تحمیل و عرضه می کردند، مانند روشن کردن چراغ‌ها و آتش‌هایی در ماه شعبان با این توجیه که از سنت‌ها و عبادات است، در اساس هم هدفشان پرستش آتش، و تثبیت دین خود بود که پست‌ترین دین بود، حتی به صورتی بود که مسلمانان نماز و رکوع و سجودشان بسوی این آتش بود که آن را روشن کرده بودند.^۱

در ظاهر روشن کردن آتش و چراغ‌های زیاد شباهت به پرستش آتش دارد - با اینکه به آن هم معتقد نباشند - چون پرستش کنندگان آتش آن را روشن می کردند تا به قوت و شعله کامل خود می رسید سپس به نیت عبادت دور آن جمع می شدند، پس شکی نیست که شباهت و تقلید از ادیان باطل درست نیست و از آن نهی شده است^۲ والله اعلم.

ایشان را از قدرت کوتاه نمود، به البداية و النهاية، (۱۰/۲۱۵-۲۲۵) م و الأعلام ۲/ ۲۹۵ راجعه شود.

۱- به کتاب الباعث، ص (۳۳-۳۴) مراجعه شود.

۲- به کتاب المدخل لابن الحاج، (۱/۳۰۸) مراجعه شود.

